



تحلیل آینده نظام منطقه‌ای غرب آسیا با توجه به تأثیرات پاندمی ویروس کرونا

پاندمی ویروس کرونا و تأثیرات آن از تحولاتی است که می‌تواند آینده نظام بین‌الملل و به تبع آن نظام منطقه‌ای غرب آسیا را دستخوش تحول و دگرگونی قرار دهد و باعث ایجاد دیدگاه‌های متفاوتی شده که هر کدام تصویری از آینده این نظام نشان می‌دهند. در این نوشتار هدف تحلیل و ارائه تصویری از آینده نظام منطقه‌ای غرب آسیا با توجه به تأثیرات پاندمی ویروس کرونا است.

مقدمه

شیوع ویروس کرونا و تأثیرات آن بی‌شک رخدادی بزرگ با ابعاد بهداشتی - درمانی، اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - امنیتی است که عرصه نظام جهانی و منطقه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار داده است. یکی از این مناطق که قبل از همه‌گیری کرونا دچار بحران‌های گوناگون بود و با این همه‌گیری بحران‌های آن مضاعف شد نظام منطقه‌ای غرب آسیا می‌باشد. همه‌گیری کرونا در نظام منطقه‌ای غرب آسیا باعث اهمیت یافتن جایگاه دولت به عنوان کنشگر مسلط شد. تأثیرات کرونا در کشورهای مختلف از جنبه‌ها و درجه‌های مختلفی قابل بررسی است. تحولات مختلف در سالیان اخیر در نظام بین‌الملل، نظام‌های منطقه‌ای را نیز دستخوش تغییر و تحول قرار داد. مواردی همچون پایان جنگ سرد و حمله ۱۱ سپتامبر باعث شد نظام‌های منطقه‌ای به خصوص غرب آسیا دستخوش تغییرهایی قرار گیرد. پاندمی کرونا نیز یک نمونه از این تحولات مهم جهانی است که سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. حال با این تفاسیر هدف این نوشتار پاسخ به این سوال است که تأثیرات همه‌گیری ویروس چه تأثیری بر نظام منطقه‌ای غرب آسیا داشته است یا به نحوی دیگر آینده نظام منطقه‌ای غرب آسیا با توجه بر آثار شیوع کرونا به چه صورت خواهد بود. این نوشتار در تلاش است تا در واقع یک تصویر از آینده نظام منطقه‌ای غرب آسیا با توجه به تأثیرات پاندمی کرونا ترسیم کند.

نظام منطقه‌ای

نظام منطقه‌ای کلیتی منسجم یا غیرمنسجم متشکل از دولت‌های متجانس توأم با روابط دو یا چندجانبه مرتبط است که ویژگی و عناصر ساختاری نسبتاً پیدا و پنهان دارند و با کلیت‌های مادون (کشورها) ماورا (نظام بی‌الملل) و همتراز خود (نظام‌های منطقه‌ای) روابط دو یا چندجانبه دارند. نظام منطقه‌ای بخش‌های مجزا و درعین حال مرتبط با یکدیگر دارد که شامل بخش مرکزی (بازیگران اصلی و فرعی) و بخش‌های حاشیه‌ای و پیرامونی (بازیگران کوچک و عناصر مداخله‌گر فرامنطقه‌ای).

با توجه به شیوع کرونا در تمامی مناطق جهان از جمله غرب آسیا، دو دسته دیدگاه و تصویر متضاد برای تحلیل آینده نظام منطقه‌ای غرب آسیا وجود دارد. دسته اول بر این باورند نظام منطقه‌ای غرب آسیا بعد از همه‌گیری کرونا به سمت کاهش نقش دولت، گسترش بازیگری نهادهای منطقه‌ای، توسعه روند منطقه‌گرایی به عنوان عامل گسترش جهانی شدن، جایگزینی چندجانبه‌گرایی به جای اصل خودیاری و یکجانبه‌گرایی، تغییر در الگوهای ارتباطی یعنی حرکت از واگرایی به سمت همگرایی و در نهایت سیاست‌های امنیتی و رقابت‌های ژئوپلیتیکی به دلیل منافع مشترک و وابستگی متقابل اقتصادی از اهمیت ثابت گذشته کاسته خواهند شد. اما دیدگاه دوم چنین تصویری از آینده نظام منطقه‌ای غرب آسیا نمایان می‌کند که تأثیرات پاندمی کرونا باعث می‌شود نظام منطقه‌ای بخاطر بحران‌های اقتصادی، بهداشتی و اجتماعی ناشی از تحولات به وجود آمده هر چه بیشتر، به سمت بی‌ثباتی منطقه‌ای و واگرایی حرکت کند و همینطور شاهد گسترش تروریسم باشیم و در همین راستا رقابت‌های ژئوپلیتیکی قوت گرفته که می‌توان در کنار این موضوعات به حضور و مداخله هر چه بیشتر قدرت‌های خارجی در این نظام منطقه‌ای نیز توجه کرد. با توجه مولفه‌های ذکر شده نقش دولت هر چه بیشتر به عنوان بازیگر اصلی و مسلط منطقه‌ای پررنگ، الگوی ارتباطات از نوع رقابت و واگرایی، ترجیح منطقه‌گرایی بر جهانی شدن و اولویت‌های سیاست امنیتی بر سیاست‌های اقتصادی و حرکت به سمت خودیاری هرچه بیشتر خواهد بود. تصویر دوم به نوعی با پشتوانه رویکرد رئالیسم آینده نظام منطقه‌ای در غرب آسیا را تحلیل می‌کند.

بنابراین در این نوع تصویر واقع‌گرایان بر این باورند که جهان شاهد احیا و بازگشت دولت ملی و تقویت قدرت آن خواهد بود و جهانی‌شدن لیبرال مبتنی بر وابستگی متقابل تضعیف خواهد شد. به رغم ضرورت همکاری‌های بین‌المللی، دولت‌ها برپایه منطق خودپرستی و استقلال، در دستیابی به آن ناکام خواهند ماند. واقع‌گرایان از گذشته نیز منتقد جهانی‌شدن لیبرال بوده و استدلال می‌کردند که وابستگی متقابل نمی‌تواند ماهیت آنارشیک نظام و سیاست بین‌الملل را تغییر دهد؛ زیرا به همان میزان که منافی دارد، آسیب‌پذیری کشورها را نیز افزون می‌کند. لذا نظریه‌پرداز واقع‌گرایی مانند استفن والت معتقد است جهانی‌شدن لیبرال بر اساس نظم لیبرال بین‌المللی و نظم داخلی نیاز به بازسازی دارد و ما شاهد بازگشت دولتی ملی خواهیم بود؛ به‌گونه‌ای که دهکده جهانی که بر اثر جهانی‌شدن ایجاد شده بود، در حال ضعیف شدن و حتی خاتمه یافتن است. انتخاب ترامپ در آمریکا در دوره گذشته یا برگزیت در اتحادیه اروپا خود نشانه‌ای از بازگشت به ملی‌گرایی و مرکانتیلیسم بود. بحران کرونا هم این جریان را تقویت خواهد کرد.

تأثیرات پاندمی کرونا بر کشورهای غرب آسیا

شکنده تر شدن دولت‌های شکننده

کشورهای غرب آسیا با توجه به داشتن یا نداشتن منابع طبیعی همچون نفت و گاز، تعداد جمعیت، موقعیت توریستی، امنیت شغلی، توانایی اقتصادی و بهداشتی، ثبات سیاسی، توسعه سیاسی و اقتصادی و رفاه عمومی درجه‌های مختلفی از

پیامدهای این اپیدمی را تجربه کرده اند. بنابراین همانطور که آمارهای جهانی گزارش داده اند از جمله مهم‌ترین پیامدهای همه‌گیری کرونا، بیکار شدن تعداد زیادی از مردم، ورشکستگی شرکت‌های خصوصی و دولتی، ضربه به اقتصادهای ملی، افزایش فقر، تضعیف امنیت انسانی و نارضایتی‌های گروه‌های اجتماعی از دولت مرکزی به شمار می‌رود. در بین کشورهای غرب آسیا دولتهایی وجود دارند تحت عنوان دولت‌های شکننده یا ورشکسته که کوهن بر این باور است این دولت‌ها به دلیل توسعه نامناسب، نرخ بیکاری زیاد، تنش‌های قومی و ضعف اقتدار مرکزی از ثبات مناسبی برخوردار نبود و در نتیجه این دولت‌ها از درون به سمت بحران داخلی، ناامنی و هرج و مرج حرکت می‌کنند که می‌توانند امنیت منطقه و امنیت بین‌الملل را نیز تهدید کنند که در نتیجه باعث مداخله قدرت‌های خارجی در این کشورها خواهد شد. با این تفاسیر می‌توان اشاره کرد دولتهایی همچون عراق و سوریه که جز دولت‌های ورشکسته از آن‌ها یاد می‌شود به دلیل بر خورداری از بحران‌هایی که در بالا به آن اشاره شد، با گسترش ویروس کرونا و تأثیرات آن بر بخش‌های اقتصادی، بهداشتی و سیاسی این کشورها در آینده نظم منطقه‌ای هر چه بیشتر شکننده و ورشکسته خواهند شد. زیرا این نوع کشورها از زیر ساخت‌های مناسبی برای مقابله با این نوع بحران‌ها برخوردار نبوده و نسبت به کشورهای حوزه خلیج فارس همچون عربستان و امارات از پشتوانه اقتصادی بالایی بهره نمی‌برند و بنابراین پیامدهای منفی همه‌گیری بر این نوع کشورها تأثیرات بیشتری خواهد داشت.

اشاعه تروریسم

با توجه به اینکه یکی از علت‌های گسترش تروریسم به خصوص گروه داعش در عراق و سوریه به دلیل شکنندگی این دو دولت و همچنین نارضایتی و وجود فاصله بین سطح گروه‌های اجتماعی و قدرت مرکزی بود، می‌توان پیشبینی کرد تأثیرات منفی و بحران ساز کرونا در عراق و سوریه و کشورهای دارای این ویژگی هرچه بیشتر شکننده‌تر شوند و فضا برای اشاعه تروریسم در خاک این کشورها فراهم تر شود که به عنوان مثال می‌توان به عملیات انتحاری دو تروریست در بازار بغداد در چند روز گذشته اشاره کرد. داعش قبل از شیوع کرونا با شکست‌های متعددی مواجه شد اما در ماه‌های اخیر در تلاش است نیروهای خود را سازماندهی کند و با یافتن شرایط مناسب به اقدامات تروریستی ادامه داده و حتی سطح کنشگری خود را در کشورهایی همچون یمن و دیگر کشورهای دچار بحران داخلی گسترش دهد. این گروه تروریستی با حمایت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای همچون عربستان سعودی و آمریکا، اغلب در صدد است با یافتن بی‌ثباتی داخلی و تغییر ترجیحات سیاست‌های امنیتی دولت‌ها به کنشگری خود ادامه دهد. بنابراین در صورتی که دولت‌های شکننده به دلیل ضعف‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی ناشی از تأثیرات شیوع کرونا نتوانند نوعی ثبات در داخل و مرزهای خود برقرار کنند در آینده نزدیک، نظام منطقه‌ای غرب آسیا هر چه بیشتر نسبت به سالیان اخیر آماج حمله و اشاعه تروریسم قرار خواهد گرفت.

با شکننده‌تر شدن کشورهای هم‌چون عراق، سوریه و یمن به دلیل تاثیرات منفی ناشی از پاندمی کرونا، انتظار می‌رود در نظام منطقه‌ای غرب آسیا کارگزاران محوری آن یعنی جمهوری اسلامی ایران، عربستان و حتی ترکیه به رقابت‌های ژئوپلیتیکی جدی‌تری به پردازند. به نحوی که ایران از شکننده‌تر شدن دولت‌های نام برده جلوگیری می‌کند و این استراتژی را دنبال می‌کند تا نفوذ منطقه‌ای خود را گسترش دهد و جایگاه منطقه‌ای را ارتقا دهد. همچنین عربستان نیز به دنبال منافع خود در تلاش است با ورشکستگی هر چه بیشتر این دولت‌ها از نفوذ منطقه‌ای ایران جلوگیری کند تا در نهایت موازنه قدرت را به نفع خود و متحدانش تغییر دهد. به دنبال گسترش تروریسم این موضوع باید عنوان شود که ایران در تلاش است با حمایت اقتصادی، سیاسی و نظامی از شرکای راهبردی خود حمایت کند، عربستان نیز با همکاری آمریکا سعی می‌کند با وضع تحریم‌های هم‌چون سزار و دیگر تحریم‌های اقتصادی و سیاسی بر سوریه و حمله نظامی به یمن و همچنین حمایت بسیار زیاد اقتصادی و نظامی از گروه‌های تروریستی این رقابت ژئوپلیتیکی را پیروز شوند. کشورهای شکننده هم‌چون عراق، سوریه و یمن از وضعیت ژئوپلیتیکی بسیار مهمی بر خوردار هستند و بنابراین می‌توان از اهمیت یافتن مرزهای ژئوپلیتیکی و شکنندگی آنها در آینده توجه کرد. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد تلاش عربستان و متحدان منطقه‌ای آن در ایجاد بی ثباتی و تداوم بحران در دولت‌های شکننده است تا بتواند هر چه بیشتر به تغییر قدرت در این کشورها در راستای منافع خود استفاده کنند اما ایران نیز با حمایت قاطع خود از دولت‌های قانونی این مناطق تلاش خواهد کرد نوعی ثبات نسبی در این کشورها برقرار شود. بنابراین می‌توان چنین ادعا کرد نظام منطقه‌ای پسا کرونا شاهد تنش‌های عمیق‌تری میان رقبای ژئوپلیتیکی به چشم خواهد دید.

گسترش مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای

همانطور که در قبل نیز اشاره شد کوهن بر این باور است که دولت‌های ورشکسته به دلیل اینکه بحران‌های آنها می‌تواند در سطوح منطقه‌ای و حتی بین‌المللی سرایت کند، باعث می‌شود برای مدیریت آن، قدرت‌های فرامنطقه‌ای مداخله کنند. در بررسی نظام منطقه‌ای غرب آسیا یکی از عوامل همواره ثابت، مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در این منطقه است. به تکرار این مناطق به خاطر موقعیت استراتژیک خود، داشتن منابع غنی و وجود بحران‌های امنیتی سبب مداخله هر چه بیشتر این قدرت‌ها گردیده است به نحوی که مداخله و نفوذ روز افزون آنها جز لاینفک نظام منطقه‌ای غرب آسیا می‌باشد. با توجه به بررسی تاثیرات پاندمی ویروس کرونا بر کشورهای ورشکسته غرب آسیا و ایجاد بحران‌های قابل پیشبینی اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و امنیتی و احتمال تغییر توازن قدرت بین کشورهای محوری این نظام منطقه‌ای، قدرت‌های مداخله‌گر هم‌چون آمریکا و روسیه در تلاش اند تا با مداخلات خود به نوعی مدیریت بحران ناشی از شیوع کرونا، هم منافع ملی و نفوذ فرامنطقه‌ای را تقویت و دنبال کنند. باید به این نکته توجه کرد که مداخله این کشورها باعث

می‌شود هرچه بیشتر مولفه‌های همگرایی و همکاری و سیاست‌های چندجانبه کم رنگ شوند و در واقع نظام منطقه‌ای از وابستگی هر چه بیشتر به نظام بین الملل و تاثیر پذیری از آن را تجربه کند. بنابراین مداخله این قدرت‌ها سبب می‌شود با یک قدرت منطقه‌ای سیاست‌های همسوی را دنبال کنند که این موضوع باعث برقراری هرچه بیشتر الگوی ارتباطی واگرایی و کنشگری دولت محوری خواهد شد. زیرا نظام منطقه‌ای آنارشیک باعث می‌شود دولت‌ها به اتحادها و نهادهای منطقه‌ای خوش بین نباشند و روند جهانی شدن در این نظام منطقه‌ای تحت شعاع مسائل امنیتی قرار گیرد. بنابراین برخلاف کسانی که بر این باورند که همه‌گیری ویروس کرونا باعث می‌شود دولت‌ها از واگرایی به سمت همکاری و وابستگی متقابل حرکت کنند و همچنین در یک نظام منطقه‌ای منافع مشترک سیاست‌های آن‌ها را جهت دار می‌کند اما این مهم مشهود است که پیامدهای پاندمی کرونا به خصوص بر دولت‌های شکننده باعث عدم همکاری و رقابت هر چه بیشتر خواهد شد.

نتیجه گیری

به عقیده نگارنده شیوع و تاثیرات ویروس کرونا بر کشورهای مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی این دیدگاه که در راستای جهانی سازی دیگر برخی موضوعات همچون امنیت و سلامت دولت به تنهایی قادر نیست آن را مدیریت کند و در همین راستا نقش دولت‌ها کم رنگ شده و بایستی نوعی اقتدار خود را به یکسری نهادهای منطقه‌ای فراملی واگذار کنند، در شرایط فعلی به واسطه همه‌گیری ویروس کرونا مردود می‌شود و قابل مشاهده است که در این شرایط دولت‌های منطقه در تلاش اند به دلیل آنارشیک بودن نظام منطقه‌ای و بین‌المللی به سیاست‌های ملی خود اکتفا کنند و به اصل خودیاری بیشتر توجه کنند و همینطور منافع ملی را بر منافع بین‌المللی ترجیح دهند. با این تفاسیر و تاثیراتی که پاندمی کرونا بر کشورهای منطقه غرب آسیا، همچون فقر، رکود اقتصادی، تضعیف امنیت بهداشتی، نارضایتی گروه‌های اجتماعی و... داشته است باعث شده آینده نظام منطقه‌ای غرب آسیا هر چه بیشتر از لحاظ کارگزاری بر بازیگری دولت به عنوان کنشگر مسلط، رقابتی و واگرایی شدن الگوهای ارتباطی، اصل خودیاری به جای استراتژی چندجانبه گرایی را در بر بگیرد و از پیوستن نظام منطقه‌ای به روند جهانی شدن جلوگیری کند. بنابراین با توجه به تاثیرات منفی و اثر پذیری کشورهای این منطقه به خصوص کشورهای شکننده می‌توان چنین ادعا کرد نظام منطقه‌ای مورد نظر در آینده نزدیک هر چه بیشتر شاهد شکننده تر شدن دولت‌های شکننده، اشاعه تروریسم، تقویت رقابت‌های ژئوپلیتیکی و مداخلات قدرت‌های خارجی را در خود خواهد دید که این تصویری است از آینده احتمالی نظام منطقه‌ای غرب آسیا برخلاف کسانی که نگاه خوش بینانه به نظام منطقه‌ای پسا کرونا دارند. پس در نتیجه نظام منطقه‌ای پسا کرونا هر چه بیشتر بر اساس سیاست‌های اقتصادی و امنیتی ملی استوار خواهد بود و رقابت و تنش مجال زیادی به همگرایی و گسترش همکاری چند جانبه نخواهد داد.